

# مدرسه؛ فضای هیجان و کشف

و واژگان فراوان تری قرار می‌دهد. شواهد متقنی وجود دارد که نشان می‌دهد افرادی که برای تفریح مطالعه می‌کنند، در تمام طول عمرشان از مزیت‌های شناختی بیشتری برخوردار خواهند بود.

این باور که «هر اطلاعات پیش‌زمینه‌محوری که بخواهید، مثل معنای «ریسک» یا «فرانشاخت» و یا... را می‌توانید طرف چند ثانیه از اینترنت یا هوش مصنوعی به‌دست آورید و نیز همه‌چیز، آن قدر سریع تغییر می‌کند که نیمی از اطلاعاتی که خود را به حفظ کردنش ملزم می‌کنید، بعد از چند سال از رده خارج می‌شوند، و بهتر است به جای آموختن پیش‌زمینه‌های دانشی، تفکر انتقادی را تمرین کنید تا به این ترتیب بتوانید همه‌ی اطلاعات موجود در اینترنت را ارزیابی کنید، نه اینکه مجبور باشید بخش کوچکی از آن‌ها را حفظ کنید! باوری نادرست است؛ چرا که خوب فکر کردن نیازمند داشتن پیش‌زمینه‌ها (فکت‌ها) است، آن هم نه فقط به این دلیل که شما به چیزی نیاز دارید که درباره‌اش فکر کنید. همان فرایندی که برای معلمان خیلی مهم است (فرایندهای تفکر انتقادی مانند استدلال و حل مسئله)، به شکل قابل توجهی با دانش پیش‌زمینه‌ای (فکت‌محوری) که در حافظه بلندمدت ذخیره می‌شود، درهم‌تنیده است.

برای بسیاری از افراد دشوار است بفهمند فرایندهای تفکر با دانش، درهم‌تنیده‌اند. فرایندهای تفکر مشابه عملیات ماشین حساب عمل نمی‌کند. ذهن انسان طور دیگری عمل می‌کند. برای مثال، آن تفکر انتقادی که درباره‌ی آغاز جنگ جهانی دوم و یا دگرگونی‌های فناورانه عصر امروز می‌آموزیم، متفاوت از تفکر انتقادی از بازی شطرنج است. فرایندهای تفکر انتقادی به دانش پیش‌زمینه‌ی اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی وابسته است. لذا باید اطمینان حاصل کنیم که دانش آموزان، به‌موازات تمرین مهارت‌های تفکر انتقادی، دانش پیش‌زمینه‌ی لازم را کسب می‌کنند. دانش پیش‌زمینه کمک می‌کند جمله‌ها و مفاهیم را به‌درستی درک کنیم. درک مطلب فقط درک جداگانه هر انگاره نیست، بلکه به ترکیب انگاره‌های یک متن هم بستگی دارد و متن‌ها، شکاف‌ها و پیام‌های بین خطی هم دارند که نویسنده برای درک روند منطقی انگاره‌ها و پرهیز از طولانی‌شدن متن و جذابیت آن، لزومی نمی‌بیند بعضی اطلاعات را ذکر کند. در واقع نویسنده چنین فرض می‌کند که خواننده دانش لازم برای پرکردن آن شکاف را دارد. بنابراین، برای تقویت دانش پیش‌زمینه‌ی دانش آموزان، آنان را تشویق کنید کتاب بخوانند (نه فقط کتاب درسی)، مجله بخوانند، داستان‌هایی که دوست دارند و از آن لذت می‌برند را بخوانند. ابتدا مهم نیست مجله یا کتابی که می‌خوانند چقدر مرتبط و ضروری است. فقط بخوانند. بیه. اگر دانش‌آموزی که مدت‌هاست در مقابل خواندن مقاومت می‌کند، کتاب دستش بگیرد، جای خوش حالی است. اما وقتی از این مرحله عبور کرد، باید سعی کرد او را به سمت کتاب‌ها و مجلاتی در سطح مطالعه مناسب و مفید سوق داد. لازم است طرفدار پروپاقرص مطالعه برای لذت‌بردن باشند. حال که در همه‌ی سطح‌های مطالعه می‌توان مجله‌ها و کتاب‌های جذاب و شگفت‌آور یافت، پس چرا دانش‌آموزان را به خواندن مطالب مناسب سنشان تشویق نکنیم؟! پرواضح است که خواندن کتاب‌ها و مجله‌های دشوار هم ایده مناسبی نخواهند بود چراکه دانش‌آموزان آن‌ها را نخواهند فهمید و در نهایت سرخورده خواهند شد. کتابدار مدرسه، معلمان و مربیان باید مانند منبعی غنی، به دانش‌آموزان کمک کنند که عاشق مطالعه شوند. از این‌رو، جا دارد به کسب دانش ضمنی دانش‌آموزان هم توجه کرد. معلمان چیزهایی می‌دانند که دانش‌آموزان نمی‌دانند. همیشه فرصت‌هایی وجود دارد که هر روز بخشی از این دانش را از کلاس انتقال دهیم. مدیران و رهبران مدارس یادشان باشد، «صحنه‌پرداز آنچه در این قسمت بدان پرداخته شد، خودشان هستند که لازم است به‌درستی ایفای نقش کنند.

توجه به اهمیت و ضرورت سهم دانش‌زمینه‌ای در فرایند یادگیری‌های جدید و تأثیر آن برای مواجهه فعال با پدیده‌های صحنه‌های آموزشی، نکته مهمی است که در موقعیت‌های امروزی مدرسه‌ای مغفول مانده یا رو به فراموشی است. جای آن است که بر دانش پیش‌زمینه‌ی دانش‌آموزان بیفزاییم، چرا که دانش پیش‌زمینه، ضمن تقویت حافظه، فرصت تفکر و یادگیری عمیق را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. خوب فکر کردن نیازمند داشتن پیش‌زمینه‌های دانشی است؛ آن هم نه فقط به این دلیل که شما به چیزی نیاز دارید که درباره‌اش فکر کنید، بلکه فرایندهای تفکر با پیش‌زمینه‌های دانش درهم‌تنیده‌اند. دانش‌آموزان به‌موازات تمرین مهارت‌های تفکر انتقادی، دانش پیش‌زمینه‌ی لازم را کسب می‌کنند. یکی از مهم‌ترین راه‌های تشویق آنان برای کسب پیش‌زمینه‌های دانش، تشویق آنان به خواندن خواندنی‌های جذاب و موردعلاقه‌شان است. خواندن خیلی مهم است، زیرا بیش از هر چیز دیگری دانش‌آموزان را در معرض پیش‌زمینه‌های دانش بیشتر